

اصل تساوی بستانکاران در تصفیه شرکت‌های تجاری، در حقوق ایران و انگلستان

(تاریخ دریافت: ۱۷ خرداد ۱۳۹۷ - تاریخ پذیرش: ۴ اسفند ۱۳۹۷)

علیرضا عالی پناه*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

نرگس گلپایگانی: دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

وقتی شرکتی در معرض تصفیه اموال قرار می‌گیرد، شاید مهم‌ترین بخش این تصفیه، نحوه توزیع دارایی میان بستانکاران باشد. پیش از این هنگامی که شرکتی تجاری ورشکست می‌شد، چنین تصور می‌شد که هر که زودتر به بدهکار برسد، سهم بیشتری خواهد برد، اما نبود سیستم توزیع دارایی، مشکلات زیادی از جمله: مبهم بودن سازوکار و ناعادلانه بودن تقسیم اموال را به همراه داشت؛ از این رو سالیان متمادی است که اصل تساوی بستانکاران به مفهوم پرداخت طلب آن‌ها بدون وثیقه به یک نسبت، نقطه قوت تصفیه دارایی بدهکار تلقی می‌شود. گفتنی است فلسفه اصل تساوی بستانکاران، برقراری سازوکار توزیع عادلانه و حمایت از طلبکاران است. به مرور زمان و با افزایش استثنائات متعدد وارد به اصل، کم‌کم این تصور ایجاد شده که اصل تساوی، به نوعی کارایی خود را از دست داده است؛ بنابراین حقوق‌دانان به سوی ارائه راهکارهایی برای کم‌رنگ کردن جایگاه یا حذف اصل تساوی سوق یافتند؛ هر چند توسط قانون‌گذار به طور صریح تعریفی از اصل تساوی ارائه نشده و تنها آثار اصل آن در برخی از مواد بروز یافته است. همچنین قوانین تجارت باید در خدمت تسهیل تجارت و رونق سرمایه‌گذاری قرار گیرد؛ از این رو مقاله حاضر با بررسی راهکارهای پیشنهادی و تحلیل قوت و ضعف آن‌ها، حفظ اصل تساوی بستانکاران و تجویز برخی قراردادهای میان بستانکاران و شرکت تجاری را درباره توزیع دارایی در زمان تصفیه پیشنهاد می‌دهد.

کلید واژه ها: اصل تساوی بستانکاران، تصفیه، تقسیم اموال ورشکسته، ورشکستگی

مقدمه

امر تصفیه در مفهوم دقیق به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که به نقد کردن دارایی و طلب‌های شرکت می‌انجامد. مدیران تصفیه مطالبات شرکت را وصول می‌کنند و دارایی‌های غیرنقدی آن را به صورت نقد درمی‌آورند. سپس از محل دارایی شرکت، دیون را تأدیه می‌کنند و تعهدات شرکت و امور جاری را انجام می‌دهند. در واقع در اینجا عملیات تصفیه پایان می‌یابد و عملاً حیات شرکت به اتمام می‌رسد (اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۹۷).

از قرن نوزدهم در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله انگلیس، قوانین مربوط به ورشکستگی و تصفیه اشخاص ورشکسته شکل گرفت. قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ انگلیس برآیند مذاکرات و جلسات طولانی مدت کرک^۱ (Cork) است. این کمیته را دولت انگلیس تأسیس کرد و فعالیت آن با ریاست سر کنث کرک (Sir Kenneth Cork) آغاز شد.^۲ وقتی شرکتی در بحران مالی قرار می‌گیرد و دارایی او تکاپوی پرداخت بدهی‌هایش را نمی‌داد، قبل از آنکه رسماً وارد مرحله تصفیه شود، بستانکاران از هر سو- صرف نظر از نوع طلبشان- درصدد وصول حداکثری طلب خود از اموال شرکت برمی‌آمدند.

اصل تساوی بستانکاران در واقع نوعی سازوکار توزیع دارایی شخص ورشکسته به صورت عادلانه میان طلبکاران است که با هدف برقراری نظام تصفیه جمعی، تضمین منافع بستانکاران و بدهکار ضمن تقسیم دارایی بدهکار- به صورت مساوی میان بستانکاران بدون وثیقه - صورت می‌گیرد. براساس دیدگاه و مشی فوق، سال‌های متمادی محاکم، تمامی دعاوی‌ای را که دربردارنده پرداخت یا سود بیشتر به هر کدام از بستانکاران بود، باطل اعلام می‌کردند.

اصل تساوی بستانکاران مانند سایر اصول مشمول استثنائاتی شد و به تدریج دامنه استثنائات وارده به قدری گسترش یافت که بسیاری^۳ را بر آن داشت پایان حیات اصل تساوی را اعلام کنند و

1. Report of the Review Committee on Insolvency Law and Practice.

- به سلسله جلسات بحث و بررسی در جهت اصلاح قانون ورشکستگی در انگلستان اطلاق می‌شود که به تصویب قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ منجر شد.

۲. به‌طور کلی انگلستان قوانین متعدد و غنی‌ای درباره اعسار، انحلال، ورشکستگی و تصفیه پایه‌ریزی کرده است. به همین دلیل قوانین آن الگوی اصلاح سازوکار بسیاری از کشورهای در حال توسعه در این زمینه است (Chepkemoo too, 2015: 12).

3. Skeel. Good, Mokal.

راهکارهایی را برای گریز از اعمال اصل یا جایگزین کردن آن پیشنهاد دهند. در قوانین ایران نیز اگرچه این اصل پذیرفته شده و مواد ۴۲۱ و ۴۱۹ قانون تجارت و نیز ماده ۲۹ قانون تصفیه امور ورشکستگی مبین آن است، ولی تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده است. این نقیصه در لایحه مصوب قانون تجارت سال ۱۳۹۳ نیز مشاهده می‌شود.^۱

گرچه به‌طور کلی نظام حقوق تجارت ایران برگرفته از نظام حقوقی فرانسه است، اما رویکرد جدید قانون‌گذار و مشخصاً در لوایح تجارت ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ مانند بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا، متأثر از هر دو نظام حقوقی بزرگ دنیا بوده است، اما با غلبه ملاحظات مبتنی بر تحلیل اقتصادی حقوق، حرکت به سوی حقوق عرفی که یکی از نمایندگان مهم آن حقوق انگلیس است، با شتاب بیشتری در جریان است (فرازنده مهر، ۱۳۸۷: ۱). به همین دلیل این امر اهمیت و ضرورت بررسی حقوق انگلستان را در این زمینه دوچندان می‌کند.

در این باره به‌طور خاص دو مقاله فارسی نگاشته شده است: بررسی اصل تساوی طلبکاران ورشکسته (سلطان احمدی و چمی، ۱۳۹۲) و مطالعه تطبیقی اصل تساوی طلبکاران (ایزائلو و میرشکاری، ۱۳۹۰) که به تبیین و تعریف اصل اختصاص یافته‌اند، اما با توجه به تحولات در نظام‌های حقوقی مختلف و گاهی تعدیل رویکرد آن‌ها نسبت به این اصل، مقاله پیش رو با بیان دیدگاه‌های نوین و بررسی راهکارهای پیشنهادی و تحلیل مزایا و معایب آن‌ها، ضمن حفظ اصل تساوی، تجویز برخی قراردادهای توزیع دارایی را میان شرکت تجاری و بستانکاران بدون وثیقه که متضمن تسهیل و تقویت روابط تجاری و در عین حال منطبق با برقراری عدالت و انصاف میان طلبکاران باشد توصیه می‌کند.

با عنایت به موضوع این نوشتار که بازپژوهی اصل تساوی بستانکاران را با ارجاع به نظام حقوقی انگلیس و استفاده علمی از تجربیات و نوآوری‌های آن نظام حقوقی در دستور کار داده، مطالب در چهار بند پیاپی ارائه خواهند شد. در ابتدا «مفهوم و پیشینه اصل تساوی بستانکاران» بیان شده است. پس از آن «استثنائات اصل تساوی بستانکاران» مورد مداخله قرار خواهد گرفته و در نهایت «تبیین ناکارآمدی اصل تساوی بستانکاران و راهکارهای اصلاح آن» صورت گرفته است.

۱. این قانون در سال ۱۳۹۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید اما در شورای نگهبان تأیید نشد.

۱. مفهوم و پیشینه اصل تساوی بستانکاران

در این قسمت پس از بیان مفهوم و مختصری از پیشینه اصل تساوی بستانکاران، مبانی حقوقی اصل بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم اصل تساوی بستانکاران

اصل تساوی بستانکاران برگرفته از عبارت لاتین «پری پسو» به معنای قرار گرفتن در یک رتبه است در لغت‌نامه حقوق عملی انگلستان^۱ این اصطلاح حق برابر در پرداخت^۲ معنی شده است؛ یعنی همه طلبکاران بدون وثیقه^۳ به نسبت طلبشان از اموال بدهکار از موقعیت برابری بهره‌مند خواهند شد.

به سخن دیگر، وقتی شرکت ورشکسته‌ای در معرض تصفیه قرار می‌گیرد، مدیر تصفیه باید دارایی ورشکسته را در راستای جلب رضایت و برقراری عدالت میان بستانکاران بدون وثیقه به نسبت برابر توزیع کند (Hyzler, 2006: 13).

برخی حقوق‌دانان نیز اصل تساوی را این گونه معنا کرده‌اند: «هر طلبکاری در جریان تصفیه شرکت تازمانی که استحقاق خود را برای رجحان نسبت به سایر طلبکاران به اثبات نرساند، با سایر طلبکاران در یک رتبه قرار می‌گیرد» (Warren, Lawrence and pottow, 2014: 58). به عبارت دقیق‌تر، تمامی بستانکاران تحت مقرراتی یکنواخت، درنهایت به نسبت ثابتی بار عدم ملاتت شخص ورشکسته را در پرداخت همه متحمل می‌شوند (سلطان احمدی و چمی، ۱۳: ۲).

۲-۱. پیشینه اصل تساوی بستانکاران

اصل تساوی بستانکاران تاجر ورشکسته در میان مباحث ورشکستگی از جمله اصولی است که حضوری کاملاً مشهود دارد. برای نمونه طبق قوانین الواح دوازده‌گانه رم باستان، در صورتی که دین متعدد بود و بدهکار به تعهدات خود عمل نمی‌کرد، قاضی از نظر مالی حکم می‌داد تا دُیّان تمام دارایی او را تصرف کنند. همچنین همه دارایی وی به خریداری که پیشنهاددهنده بالاترین

1. <http://html.uk.practicallaw.paripassu>. last seen at 2018/2/12.

2. Equal right in payment

3. Unsecured creditors

قیمت بود و اگذار می‌شد. این شخص در واقع برنده مزایده به شمار می‌آمد و متعهد می‌شد حصه‌ای به طلبکاران پردازد و در این پرداخت باید قاعده تساوی را رعایت می‌کرد (همان، ۳). شرکت‌های تجاری معمولاً پس از ورشکستگی تمایل زیادی به وصول مطالبات و بدهی‌های خود توسط طلبکارانی دارند که به نوعی با آن‌ها قرابت داشته یا بنا به صلاحدید خود منافعشان را بیشتر تأمین می‌کردند؛ از این رو با توجه به بی‌عدالتی‌های صورت گرفته در این جریان، در حقوق انگلستان اصل تساوی در قوانین اولیه ورشکستگی جایگاه خود را یافت. به عبارت دیگر می‌توان گفت اصل تساوی بستانکاران از اصول سنتی قوانین ورشکستگی است. در حقوق ایران اصل تساوی هیچ‌گاه به صراحت تعریف نشده و چنانچه در ادامه بدان پرداخته خواهد شد، تنها آثار آن در موادی از قانون اساسی، قانون مدنی و قانون تجارت دیده می‌شود (Gratzer, 2008: 264).

۱-۳. تبیین مبانی حقوقی اصل تساوی بستانکاران

اصل تساوی طلبکاران، یکی از جلوه‌های اجرای عدالت در نظام‌های حقوقی است، اما پرسش این است که آیا باید میدان را برای طلبکاران باز گذاشت تا هر که سریع‌تر عمل کند به طلبش برسد یا باید به اصطلاح، ارزش آزادی مدیون را با ارزش تساوی پاسخ داد؛ یعنی طلبکاران را در سطحی قرارداد و میان آن‌ها تساوی برقرار کرد. در این رابطه قانون نمونه آنستیرال اشعار می‌دارد: «سازوکار تصفیه جمعی در ارتباط با نقش، حقوق، نحوه تصفیه و اولویت‌بندی طلبکاران باید کاملاً روشن بوده و به صراحت در قوانین مرتبط پیش‌بینی گردد.»^۱

در همین راستا کمیته بررسی قانون ورشکستگی انگلستان کرک (Cork) اظهار می‌دارد: «اصل تساوی طلبکاران به مثابه اصل تغییرناپذیر و قانونی، امری است که در تمامی قوانین مربوط به تصفیه لحاظ خواهد شد و هیچ توافق و قراردادی خلاف آن نافذ نیست.»^۲

از منظر فقه امامیه، پس از صدور حکم حجر، اموال مفلس متعلق حق همه طلبکاران قرار

1. World Bank Principles for Effective Creditor Rights and Insolvency Systems, Revised draft Part C 2005 <<http://www.worldbank.org/external/default/WDSC>> last seen at 2017/09/4.

2 . Insolvency Law and Practice: Report of the Review Committee (The Cork Report) Cmnd 8558 (1982) para. 1220.

می‌گیرد و حاکم نسبت به فروختن اموال و تقسیم حاصل فروش میان طلبکاران به نسبت طلبشان اقدام می‌کند.^۱ یکی دیگر از ادله فقها در تساوی حقوق طلبکاران جمله مشهور «یتساوی غرماء المیت مع عدم الوفاء» است به این معنا که اگر دارایی بدهکار متوفی برای پرداخت بدهی‌ها کافی نباشد، طلبکاران با یکدیگر برابر خواهند بود (ایزانلو و میرشکاری ۱۳۹۲: ۴)؛ بنابراین با توجه به اینکه فلسفه صدور حکم تفلیس، حمایت از حقوق طلبکاران و جلوگیری از ورود ضرر به آن‌هاست، تقدم هر طلبکار بر طلبکار دیگر، به معنای ورود ضرر به ایشان و خلاف اصل کلی تساوی بستانکاران است (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۰).

در قانون اساسی اصول ۳، ۱۹ و ۲۰ مثبت اصل برابری است. همچنین از ماده ۱۵۳ قانون مدنی آنجا که می‌گوید: «هرگاه نهی مشترک مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هریک اختلاف پیش آید حکم به تساوی نصیب آن‌ها می‌شود»؛ بنابراین هرگاه در اصل نصیب چند نفر نسبت به یک حق اختلاف نباشد و تنها درباره میزان سهم هریک تردید وجود داشته باشد، حکم به برابری و تساوی داده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۵). همین امر در موردی که اصل طلب طلبکاران ثابت شده باشد، اما در میزان حق آن‌ها تشکیک وجود داشته باشد نیز جاری است و اصل بر تساوی استحقاق آن‌هاست (همان، ۷۷).

همچنین در قانون تجارت نیز فلسفه بطلان معاملات موضوع ماده ۴۲۳ قانون تجارت در راستای همین اصل است؛ زیرا از زمان توقف چون تاجر دیگر قادر به انجام تعهدات خود نیست، باید اموال خود را در اختیار همه بستانکاران بگذارد تا به‌طور مساوی میان آن‌ها تقسیم شود و هر عملی که سبب از بین رفتن اموال مزبور یا موجب ترجیح بعضی از بستانکاران به دیگران شود، نباید انجام گیرد (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵: ۹۱). ماده ۴۱۸ قانون تجارت نیز از تاریخ صدور حکم ورشکستگی برای پیش‌گیری از اعمال هر نوع تبعیض میان بستانکاران، تاجر را از مداخله در تمام اموال خود منع می‌کند.

۲. استثنائات اصل تساوی

اصل تساوی طلبکاران نیز مانند سایر اصول استثنائاتی برمی‌دارد که در این صورت عده‌ای از

1. <<http://khomeini.ir/fa.c78>, last seen at 2018/12/28>

طلبکاران بر عده‌ای دیگر برتری و رجحان می‌یابند؛ در ادامه به بررسی این امر می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا مبانی استثنائات این اصل و سپس مصادیق آن در حقوق ایران و انگلستان بیان خواهد شد.

۲-۱. مبانی استثنائات اصل تساوی بستانکاران

در قرن هجدهم حتی الامکان تلاش می‌شد که جلوی ترجیح و اولویت طلبکاران نسبت به یکدیگر گرفته شود و در اغلب موارد هرگونه رجحان و برتری بستانکار به دیگری رفتار متقلبانه محسوب می‌شد و تمامی انتقال‌های صورت گرفته از این طریق در محاکم باطل اعلام می‌شد. در واقع مخالفان اولویت معتقد بودند ترجیح طلبکار (با هر انگیزه‌ای اعم از انسان‌دوستانه، دوراندیشانه، از روی حس وظیفه‌شناسی و یا متقلبانه) به نوعی سبب دل‌سردشدن سایر بستانکاران می‌شود و آنان را در تنگنا قرار می‌دهد. همین امر نیز سبب کاهش امنیت و اطمینان نسبت به مناسبات تجاری می‌شود؛ بنابراین پذیرفته نیست. این روند ادامه داشت تا به تدریج تنها رجحان‌های ناعادلانه^۱ و خارج از تعاریف قانونی غیرمجاز اعلام شد (Keay, 2012: 160).

در نظام کامن‌لا، حقوق ممتاز یا استثنائات وارد بر اصل تساوی، ریشه در قانون شرکت‌های سهامی (۱۸۴۴) انگلستان^۲ و تصفیه شرکت با رجحان بستانکاران دارای وثیقه دارد (همان، ۱۶۰). در نقد این استثنائات بیان شده: «وقتی سخن از قوانین ورشکستگی و تصفیه جمعی به میان می‌آید، نخستین اصلی که به ذهن متبادر می‌شود، تساوی حقوق طلبکاران است. با این حال با افزایش بیش‌ازحد دامنه استثنائات وارد بر این اصل عملاً چیزی برای طلبکاران بدون وثیقه و رجحان باقی نمی‌ماند تا این اصل به‌طور خاص مجال بروز پیدا کند» (Good, 1984: 53).

برخی سیستم‌های حقوقی مانند انگلستان، اموال متعلق طلب ممتاز را خارج از دارایی مدیران تلقی می‌کنند (Good, 1997: 152) و معتقدند این قبیل اموال از ابتدا وارد چرخه تصفیه جمعی نشده و در اختیار مدیر تصفیه قرار نگرفته‌اند. در قیمت‌گذاری آن‌ها نیز مدیر تصفیه نقشی نداشته است. نویسندگان مبانی اعمال استثنائات اصل را معیارهایی مانند مصلحت‌های قانون‌گذار در حمایت

1 . unfair preference

2 . Joint stock company

از بستنکاران ضعیف^۱ و تقدم زمانی (Finch, 2009: 604) عنوان کرده‌اند. در فقه اسلامی نیز حق تقدم در وصول طلب، بر مبنای ملاکاتی از جمله اقویت و اسبقیت حق است^۲ (احمدی، امینی، ۱۳۹۱: ۲۵).

علاوه بر استدلال‌های فوق عده‌ای نیز توجه کرده‌اند اصل تساوی طلبکاران آثار متعددی دارد و طلب ممتاز تنها بر یکی از آثار آن، یعنی «هم‌زمانی پرداخت» استنا وارد کرده است؛ بنابراین در مواقع تردید نسبت به امکان ترجیح طلبکاران بر یکدیگر اصل مزبور حاکم است (ایزانلو، ۱۳۹۲: ۶). به‌علاوه هدف اصلی از برقراری اصل تساوی میان طلبکاران، توجه به عدالت و انصاف^۳ است که خروج طلبکاران با طلب ممتاز منافی آن نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۴۶۰).

به نظر می‌رسد در حقوق ایران علی‌رغم آنکه در قانون تجارت و امور ورشکستگی استثنائات متعددی به اصل تساوی وارد است، نمی‌توان در هیچ‌یک از مواد چنین فلسفه‌ای را برداشت کرد؛ زیرا قانون تجارت اصل تساوی را تعریف نکرده و تنها در موادی آثار آن را پیش‌بینی کرده است. براساس نظر دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۲۷۱-۱۹ دی ۱۳۳۹: «چون ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی در استفاده از اموال متوقف، برای دُیان ترتیبی خاص مقرر داشته که به همان نحو باید خاتمه یابد و موافق مدلول همین ماده حق تقدم هر طبقه بر طبقه دیگر تصریح شده ... کلیه دیان، به‌جز کسانی که قانون صریحاً استثنا نموده، از اموال متوقف حق استفاده دارند». منظور دیوان عالی کشور از جمله اخیر، استفاده طلبکاران از این حق به‌طور عادی و بدون رجحان است؛ مگر اینکه چنین حقی را قانون برای آن‌ها مقرر کرده باشد (اسکینی، همان: ۲۱۲). همچنین شعبه سوم دیوان عالی کشور به‌موجب رأی شماره ۹۶۲ مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۱۹ این چنین اظهار نظر کرده است: «دیوان متوقف در استیفای طلب خود در عرض یکدیگر قرار دارند؛ مگر ممتاز بودن بعضی مدلل شود».

۱. این معیار براساس دیدگاه‌های مبتنی بر عدالت تصحیحی در جهت توزیع منافع و ثروت میان قشر ضعیف‌تر شکل گرفته است.

۲. مانند مال مرهون.

۳. خروج طلبی که خصوصیت خاصی نسبت به سایر طلب‌ها دارد، متضمن برقراری عدالت است نه موجب ایراد خدشه به آن.

۲-۲. مصادیق استثنائات اصل تساوی بستانکاران

به طور کلی پیش از تصفیه، همه بستانکاران می‌توانند با مقید کردن یا به وثیقه گرفتن اموال بدهکار، وصول طلب خود را تضمین کنند و خود را از قرار گرفتن در چنگال اصل تساوی رها سازند. قانون‌گذار بنا بر مصلحت و اصول کلی حقوقی، پرداخت برخی طلب‌ها را در اولویت قرار داده است که در ادامه مصادیق استثنائات اصل تساوی در ایران و انگلستان بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. مصادیق استثنائات اصل تساوی بستانکاران در حقوق ایران

در مقام تعریف، طلب مقدم طلبی است که به حکم قانون، پرداخت آن از حیث زمانی باید بر دیگر مطالبات مقدم باشد (Turnwald, 2010: 20). بر این اساس قانون‌گذار برای تقسیم حاصل فروش اموال ورشکسته، طلبکاران را برحسب تقدم به سه دسته اصلی تقسیم کرده است: طلبکاران دارای وثیقه، طلبکاران ممتاز و طلبکاران عادی.

الف) طلبکاران دارای وثیقه

طلب دارای وثیقه طلبی است که مالی برای استحکام وصول آن اختصاص داده شده است. تخصیص یک نوع مال برای تضمین وصول طلب، اغلب یا بر پایه توافق دائن و مدیون یا به موجب رأی دادگاه صورت می‌گیرد که بارزترین نمونه قرارداد ایجاد وثیقه رهن است (صفیان، ۱۳۷۵: ۵). علی‌الاصول طلبکارانی که برای تضمین پرداخت طلب خود مالی از تاجر را در رهن خود دارند، نسبت به آن مال بر طلبکاران دیگر برترند. در این صورت با توجه به اینکه رجحان طلبکاران با وثیقه استثنایی بر اصل تساوی حقوق دُیان است، به جز طلبکارانی که حق رهن به مفهوم قانون مدنی دارند، افراد دیگری که حقوق مشابهی دارند، نمی‌توانند از حقوق رجحان مطلق که قانون‌گذار برای طلبکار مرتهن پیش‌بینی کرده است استفاده کنند (ایزائلو و میرشکاری، ۱۳۹۰: ۸). در کتاب تحریرالوسیله امام خمینی (ره) باب ورشکستگی آمده است: «حاکم بعد از آنکه حکم به حجر مُفلس کرد و از تصرف او در اموالش جلوگیری نمود، آنگاه شروع می‌کند به فروختن اموال و تقسیم بین طلبکاران به نسبت طلبشان، اما مستثنیات دین و همچنین اموالی که نزد طلبکاران به رهن گذاشته را نمی‌فروشد؛ زیرا حق مرتهن به آن مال مقدم بر حق سایر

طلبکاران است. همان‌طور که در کتاب رهن بیان شد، سایر طلبکاران از مالی که در دست مرتهن است، سهم نمی‌برند.^۱

ب) طلبکاران ممتاز

طلب ممتاز طلبی است که دارنده آن به واسطه امتیازی که قانون مستقیماً به وی اعطا کرده است برای وصول طلب بر دیگران رجحان می‌یابد (صفیان، همان: ۷۱). در واقع می‌توان گفت آنچه موجب تقدم طلب ممتاز بر مطالبات دیگر می‌شود، خصوصیتی است که در نفس طلب وجود دارد. به عبارت دیگر امتیاز رأساً به طلب تعلق می‌گیرد و شخصیت طلبکار در این خصوص مدخلیتی ندارد. به‌طور کلی آنچه مستقیماً سبب امتیاز واقع می‌شود طبیعت طلب است. برای مثال آنچه در طبقات پنج‌گانه (مواد ۲۲۶) و قانون امور حسبی (ماده ۵۸) و اداره تصفیه امور ورشکستگی، در طبقات چهارگانه اول که مربوط به طلب ممتاز است، مبنای طبقه‌بندی قرار گرفته است، طلب است و نه طلبکار. دلیل انتخاب چنین ملاکی جز اینکه در درجه نخست امتیاز به ماهیت طلب تعلق می‌گیرد، امر دیگری نمی‌تواند باشد. به همین سبب در طبقه پنجم مواد صدرالذکر که ماهیت طلب مدخلیتی در موضوع ندارد از «سایر بستانکاران» نام برده شده است نه از «سایر مطالبات» (همان، ۷۸).

پ) طلبکاران ممتاز موضوع ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه

این طلبکاران به چهار طبقه تقسیم شده‌اند که هر طبقه بر طبقه دیگر حق تقدم دارد. طبقه اول؛ شامل سه گروه است:

الف: خدمه خانه تاجر برای مدت یک سال حقوق قبل از توقف؛

ب: خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه حقوق قبل از توقف؛

ج: کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه حقوق قبل از توقف.

طبقه دوم؛ همه اشخاصی که مال آن‌ها به‌مثابه ولایت یا قیمومیت تحت اداره ورشکسته بوده،

۱. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، باب ورشکستگی، مسئله ۷،

نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت یا قیمومیت مدیون شده است، داخل در این طبقه‌اند. طبقه سوم؛ پزشک و داروفروش و اشخاصی که مطالبات آن‌ها به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش ظرف یک سال قبل از توقف رسیده باشد.

طبقه چهارم؛ که خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف) مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی که براساس آن اگر نفقه زن به زمان قبل از صدور حکم ورشکستگی مربوط باشد، جزء طلب‌های ممتاز ورشکسته است و اگر به بعد از آن مربوط باشد زن جزء غرما محسوب می‌شود؛ مگر آنکه اداره تصفیه نفقه وی را جزء هزینه‌های عائله مدیون پرداخت کرده باشد.

ب) زن بابت مهریه‌اش تا میزان ۱۰ هزار ریال^۱ به شرط آنکه ازدواج اقلأً پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد. مازاد مهریه جزء سایر دیون محسوب می‌شود.^۲

در برخی موارد، مجزا کردن گروهی از بستانکاران بر این مبناست که به‌زعم حقوق‌دانان اساساً طلب آن‌ها خارج از دارایی بدهکار است و این آن قسم از بستانکاران را بستانکاران با وثیقه یا حق رهن می‌نامند. در باقی موارد، نحوه اولویت‌بندی میان بستانکاران بی‌وثیقه و قرار گرفتن آن‌ها در صف پرداخت طلب، محل بحث حقوق‌دانان است. آن‌ها معتقدند هدف اصل تساوی بستانکاران، توزیع عادلانه دارایی شرکت تجاری میان بستانکاران بی‌وثیقه است و گاهی ترجیح برخی بر دیگری با حفظ آن مهم خللی به اصل وارد نخواهد کرد. به عبارت دیگر، اصل تساوی درصدد ایجاد مانعی در راه بستانکاران از هجوم به اموال بدهکار و حمایت از بستانکاران ضعیف‌تر است؛ بنابراین صلاحدید قانون‌گذار برای نیل به چنین هدفی با استثنا یا مصون کردن برخی بستانکاران بی‌وثیقه در تعارض با اصل نیست.

وقتی کارمند یا همسر ورشکسته در دریافت بدهی خود در اولویت قرار می‌گیرد، این امر

۱. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ارقام و ارقام پیش‌بینی شده در مواد قانونی در دنیای کنونی محلی از اعراب ندارد و مستلزم بازنگری است.

۲. درباره ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده که پرداخت نفقه زوجه برای مدت یک سال را بر پرداخت تمامی دیون مقدم دانسته شورای نگهبان ابراز داشته است: «مدت مذکور در ماده مزبور باید حسب مورد باتوجه به خصوصیات و شأن طرف، توسط قاضی تعیین گردد؛ بنابراین این ماده به‌نحو فوق اشکال شرعی دارد.

کاملاً منطبق با اصول عقلی بوده و توزیع عادلانه و منصفانه دارایی بدهکار در نهایت به همین تقسیم‌بندی می‌رسد؛ بنابراین با همین تفاسیر است که به عقیده برخی اصل تساوی بیش از مدانتظار مقدس است و هرگونه پرداخت خارج از چارچوب آن مغایر با اصل تساوی نیست.

۲-۳. مصادیق استثنائات اصل تساوی بستانکاران در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان نیز اصل تساوی بستانکاران با محدودیت‌هایی مواجه است لذا بستانکاران دارای وثیقه و حق رهنی در اولویت قرار دارند همچنین بعد از پرداخت هزینه‌های ورشکستگی و مدیر تصفیه سپس طلبکاران ممتاز، نوبت به بستانکاران عادی می‌رسد که در این مرحله اصل تساوی بروز و مصداق می‌یابد.

۲-۳-۱. طلبکاران با وثیقه

بستانکارانی که قبل از ورشکستگی و شروع عملیات تصفیه براساس حکم دادگاه یا به صورت قراردادی، وثیقه‌ای برای وصول طلب خود از بدهکار دریافت می‌کنند، در زمان وصول مطالبات نسبت به مال مورد وثیقه بر سایر بستانکاران حق تقدم خواهند داشت^۱ و در صورتی که مال مورد وثیقه یا رهن تکافوی پرداخت طلب بستانکار را ندهد، برای باقی طلب در صف بستانکاران بی‌وثیقه قرار خواهند گرفت و مشمول اصل تساوی می‌شوند.

قاضی مک ناتن (Macnaghten) در پرونده (1904) Illingworth v Houldsworth در مورد طلبکار با وثیقه اظهار می‌دارد: «طلبکار با وثیقه، طلبکاری است که حق تقدم و بی‌چون و چرا نسبت به مال مورد وثیقه، که اغلب اموال غیرمنقول از قبیل زمین است، پیدا می‌کند».^۲

۲-۳-۲. طلبکاران ممتاز

کمپته کرک (Cork) در یکی از گزارش‌های خود درباره توزیع دارایی براساس اصل تساوی بیان می‌دارد که «شمار طلب‌های ممتاز در هر مورد آن قدر زیاد است که اجرای اصل

1. Fix Charge Creditors

2. united kingdom supreme

court/http://www.bailii.org/uk/cases/UKSC/2013/52.html, Last Seen at 2018/12/29

تساوی نسبت به اموال شرکت تجاری ورشکسته به ندرت اتفاق می‌افتد» (Cork Report, ch33,) (para1462). براساس تعریف ونسا فینچ «طلب ممتاز^۱ طلب بی‌وثیقه‌ای است که با تجویز قانون‌گذار بر سایر طلب‌های بی‌وثیقه در جریان تصفیه تقدم می‌یابد» (Vanessa Finch, 2009: 609). از منظر لغوی فرهنگ حقوقی بلک (Black) طلب ممتاز را این‌گونه تعریف می‌کند: «حقی که براساس کیفیت ذاتی طلب، به طلبکار اعطا می‌شود و پرداخت طلب او را مقدم بر سایر بستانکاران تجویز می‌کند».

در بخش ششم قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ انگلستان، طلب‌های ممتاز پیش‌بینی شده است:

۱. طلب‌های پیش‌بینی شده در قانون مالیات‌های مستقیم مانند مالیات بر ارزش، مالیات بر درآمد، مالیات بر سرمایه ثابت شرکت‌های تجاری^۲؛
۲. مالیات بر ارزش افزوده^۳؛
۳. مالیات بر تولیدات نفتی و فلزات^۴؛
۴. حقوق عقب‌افتاده کارمندان^۵.

همچنین براساس مواد ۱۰۷ و ۱۵۴ قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ انگلستان، طلبکاران عادی در مقایسه با سهام‌داران در وصول مطالبات خود در اولویت قرار دارند. یعنی اگر چیزی از دارایی شرکت باقی بماند پس از طلبکاران سهام‌داران، نسبت به سهام خود می‌توانند مطالباتشان را وصول کنند. با تصویب قانون شرکت‌های تجاری ۲۰۰۷، طلب ممتاز بدین نحو اصلاح و تعدیل شد:

۱. حقوق عقب‌افتاده کارکنان به مدت چهار ماه قبل از تاریخ ورشکستگی (حداکثر تا میزان ۸۰۰ یورو)؛
۲. حقوق معوق بازنشستگان؛
۳. طلب‌های ناشی از مالیات بر تولیدات نفتی و فلزات.

گفتنی است در این قانون شمار دارندگان طلب ممتاز نسبت به قانون ۱۹۸۶ کاهش یافته است.

1. preferential debt

1. Insolvency Act 1986,175(2)(b)

2. Ibid,article 386

3. Sch 6,para 6 and 7

4. Ibid,para 8

سایر نظام‌های حقوقی مانند ایالات متحده آمریکا نیز از یک سو با کاهش دامنه استثنائات به تقویت اصل تساوی یاری رسانده‌اند و از سوی دیگر با طراحی سازوکارهای احیای شرکت‌های تجاری از حرکت آن‌ها به سمت تصفیه ممانعت کرده‌اند.

۳- تبیین ضعف‌های اصل تساوی و راهکارهای اصلاح

در این بخش ۲ مبحث جداگانه در جهت تکمیل و تحریف از اصل و دیگر راهکارهای جایگزین اصل تساوی مطرح خواهد شد. در مورد اول با فرضی بقاء اصل تساوی دو فرض مطرح می‌شود و در قسمت دوم راه‌های عبور از اصل و جایگزین‌های آن بررسی می‌شود. در دهه ۱۹۸۰ میلادی اصل تساوی از دو منظر ۱. تقسیم برابر دارایی بدهکار میان بستانکاران و ۲. ابطال تمامی قراردادهای پنهانی که متضمن منافعی برای برخی از بستانکاران باشد، در دعاوی مطروح با قدرت اعمال می‌شد. در واقع می‌توان آن دوره را، دوره شکوفایی و گسترش قوانین ورشکستگی و تصفیه نامید (Lee, 2008: 371).

با این حال، بعدها در بسیاری از کشورها از جمله: استرالیا، نیوزلند، انگلیس و آمریکا دامنه استثنائات وارد شده به این اصل چنان شدت گرفت که برخی حقوق‌دانان (مخالفان اصل) از پایان حیات اصل تساوی خبر دادند (همان). کمیته کرک در گزارش خود بیان می‌دارد: «اصل تساوی روزبه‌روز کارایی خود را دست می‌دهد و در عمل توزیع دارایی براساس این اصل به ندرت اتفاق می‌افتد». ۱ از دیدگاه کی و والتون: «از اصل تساوی، جز اسم آن چیزی باقی نمانده لذا بستانکاران و شرکت‌های تجاری نیز تمایلی برای به کارگیری آن ندارند؛ بنابراین باید به دنبال راهکارهای جایگزین بود» (Keay and Walton, 2010: 94). در مقابل موافقان اصل نیز استدلال می‌کنند برخی مواردی که در شمار استثنائات اصل تساوی بیان می‌شود، خارج از موضوع است؛ برای مثال طلب بستانکاران ممتاز، داخل در دارایی بدهکار نیست تا به متابه استثنای بر اصل تساوی در نظر گرفته شود.

و در نهایت، حقوق‌دانان طرفدار تعدیل اصل تساوی نیز معتقدند که با بررسی پرونده‌های مطرح شده به نظر می‌رسد این اصل بیش از ارزش واقعی خود تقدیس شده است. آنان معتقدند که هرچند اصل تساوی در پی برقراری عدالت در توزیع اموال باقی‌مانده بدهکار بعد از وصول طلب

طلبکاران اولویت دارد، لکن استثنائات وارد شده در اغلب سیستم‌های حقوقی به قدری زیاد است که عملاً دارایی چشم‌گیری برای تقسیم میان بستانکاران بدون وثیقه باقی نمی‌ماند؛ بنابراین مفروض داشتن اصل تساوی به مثابه اصل بنیادین در سازوکار تصفیه، ساده‌انگارانه است (Mokal, 2001: 268). لذا در سال‌های اخیر، دعاوی برگرفته از اصل تساوی نیز در محاکم کاهش چشمگیری داشته و اشخاص ورشکسته یا بدهکار (حقوقی و حقیقی) اغلب به دنبال توافقی با بستانکاران برای ادامه فعالیت خود هستند (Lee Eng Beng, 2008: 268).

نقطه ضعف بعدی از منظر حقوق دانان، ابهام و واضح نبودن زوایای اصل است؛ در حالیکه یکی از خصایص قوانین تجاری قابلیت پیش‌بینی شرایط و بالطبع مُمساکردن محیطی امن برای سرمایه‌گذاران است. تعدد استثنائات وارد بر این اصل، بستانکاران را دچار ابهام‌های فراوانی نسبت به اوضاع و احوال خود می‌کند و این امر سبب می‌شود آنان از تهیه اقدامات مقتضی باز بمانند (Mokal, 2001: 270). مضاف بر آنکه در حال حاضر از آنجا که قوانین مبتنی بر اصل تساوی در بیشتر نظام‌های حقوقی، قوانین امری بوده و توافقی یا قراردادهای خلاف آن نافذ نیست، لذا امکان هیچ‌گونه توافقی خلاف جریان اصل وجود ندارد.

در پرونده (British Eagle International Airline V Cie National Air (2008) France)^۱ شرکت ایگل در جریان عملیات تصفیه طی قراردادی با ایرفرانس تصمیم می‌گیرد بدهی این شرکت را پرداخت کند، اما قاضی پرونده استدلال مدیر تصفیه را مبنی بر اینکه اقدام شرکت ایگل در پرداخت بدهی ایرفرانس موجب کاهش دارایی شرکت ورشکسته به ضرر بستانکاران می‌شود و با اضافه کردن این مطلب که اصل تساوی بستانکاران موافق نظم عمومی است و توافق خلاف آن اعتباری ندارد، قرارداد منعقد شده میان دو ایرلاین را باطل اعلام می‌کند.

در حقوق ایران نیز ترتیب به همین منوال است و نظام اولویت‌بندی طلب‌ها در ورشکستگی خاص است و اصل تساوی طلبکاران جز به موجب قانون نقض‌شدنی نیست (ایزانلو، ۱۳۸۹: ۱۲).

۳-۱. امکان گریز از اصل تساوی بستانکاران

تا اواسط قرن بیستم از منظر مبانی نظری، اصل تساوی آن‌چنان در نظام‌های حقوقی مهم بود که

1. <<https://app.justis.com/.../british-eagle-international/> Last seen at 2018/12/29.>

به اعتقاد رابرت جکسون (Robert Jackson)^۱ قوانین ورشکستگی بدون اصل تساوی معنا و مفهوم خود را از دست می‌داد. با این حال از آنجا که قوانین مبتنی بر اصل تساوی قوانین امری هستند، حقوق دانان در پی یافتن راهکارهایی برای دورزدن و گریز از اصل تساوی برآمدند. در این زمینه راهکارهایی پیشنهاد داده‌اند که نظریه فروشنده بحرانی و قراردادهای اجرایی اهم آن‌ها هستند.

۳-۱-۱. نظریه فروشنده بحرانی

در رویه قضایی آمریکا و انگلستان نظریه‌ای منطبق با تئوری کارایی اقتصادی به نام «فروشنده بحرانی» (Critical vendor doctrine) تعریف شده است که براساس آن، ورشکسته با ادعای آنکه خدمات ارائه شده از سوی یکی از طلبکاران برای ادامه حیات تجاری او ضروری است، می‌تواند طلب مزبور را پیش از شروع عملیات تصفیه به صورت کامل پرداخت کند.^۲ به عبارت دیگر در این قبیل موارد، ورشکسته با اثبات اینکه پرداخت طلب این قسم از بستانکاران راهکاری حیاتی برای ادامه فعالیت و احیای شرکت محسوب می‌شود، بستانکاران بدون وثیقه را از اصل تساوی و قرار گرفتن در سازوکار توزیع جمعی معاف می‌کند (Patric, Nicholson, 2006: 2)؛ بنابراین مجرای استفاده از این توافقات جایی است که بستانکاری به درخواست شرکتی که در حال ورشکستگی است مقداری پول یا کالا می‌دهد تا آن شرکت را از ورشکستگی و بالطبع تصفیه قطعی نجات دهد.

با این حال تحقق دو شرط در این راستا لازم است: الف) تضمین اولویت ب) رضایت سایر بستانکاران، بستانکار با این شرط حاضر به چنین ریسکی می‌شود که از سوی شرکت بدهکار تضمین یابد تا در صورت ورشکستگی شرکت، طلب او بیش از سایر بستانکاران با وثیقه پرداخت شود. نظر به اینکه چنین توافقی خلاف اصل تساوی بستانکاران است، نفوذ آن باید در دادگاه تأیید شود. در واقع محکمه باید میان اجرای اصل و احتمال نجات شرکت تجاری یکی را انتخاب کند.

نکته مهم دیگری که در تصمیم دادگاه تأثیر مستقیم دارد، رضایت سایر بستانکاران شرکت

1. Justice Robert Jackson: Robert Houghwout Jackson was an American attorney and judge who served as an Associate Justice of the United States Supreme Court.

2. Chapter 11 of US company law.

See Fosdick v. Schall, 99 U.S. 235 (1878). Article 105 bankruptcy law.

تجاری و اطمینان خاطر آنان به کوتاهی‌نکردن و اجرای عدالت در پرداخت بدهی آن‌هاست. چنانچه بستانکاران با چنین قراردادی موافقت کنند، احتمال رأی مثبت دادگاه به چنین توافقی افزایش می‌یابد. در پرونده *United States Trust Co. of New York v ANZ Banking Group Limited* (1995) قاضی پرونده اظهار داشت: در صورتی که چنین قراردادهایی با رضایت کامل سایر بستانکاران و در شرایطی صورت گیرد که به حقوق آنان لطمه‌ای وارد نکند، هیچ تضادی با اصل تساوی بستانکاران و نظم عمومی نخواهد داشت.

همچنین در پرونده *Re Kmar* (2002) قاضی پرونده اظهار داشت: برای تلقی شرکت طلبکار تحت عنوان فروشنده بحرانی و اعطای مجوز برای تصفیه حساب کامل، باید نفع سایر طلبکاران نیز اثبات شود؛ در غیر این صورت چنین پرداختی و جاهت قانونی ندارد و در تناقض با اصل تساوی طلبکاران است.

در سال‌های اخیر، تمایل به استفاده از این نظریه در میان شرکت‌های طلبکار و بدهکار رو به افزایش است و در موارد بسیاری قضات به آن حکم می‌دهند. برای مثال در پرونده *Keith Carter v Furniture Brands International Inc* قاضی پرونده حکم به پرداخت شانزده میلیون دلار با استناد به تئوری فروشنده بحرانی داد (ICTF, 2013: 44).

امروزه با اقبال نظام‌های حقوقی نسبت احیای شرکت‌های تجاری و همچنین اهمیت توافقات قراردادی طرفین، استناد به این تئوری نیز رشد فزاینده‌ای داشته است. از این رو به نظر می‌رسد این نظریه را برخی با تئوری‌های کارایی اقتصادی (efficiency) نیز هم‌سو می‌دانند. آن‌ها معتقدند روزانه در جامعه، اشخاص بر مبنای معیار کارایی اقتصادی که در پی حداکثرسازی ثروت است، روابطشان را تنظیم می‌کنند. نکته مهم در اعمال معیار کارایی، توافق طرفین است. اصولاً نقش حقوق در این میان تنها به حفظ و حمایت از چنین توافقی‌ها و وضعیت‌هایی خلاصه می‌شود و ایجاد و شکل‌دهی به این اعمال تنها در دایره اختیار طرفین باقی می‌ماند (Zerbe Jr, 2001: 42). نقش حقوق نیز در این باره صرفاً حمایتی است نه ایجابی؛ اگرچه ایجاد شرایط تحقق و حصول چنین توافقاتی از وظایف ذاتی حقوق است. همچنین به صورت سستی یکی از ویژگی‌های اموال، امکان هرگونه تصرف در آن‌هاست (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۵). از این جهت - در حقوق اموال، ویژگی‌های مال، امکان انتقال، استعمال و استثمار آن عنوان می‌شود لذاست که تصرفات اشخاص در حقوق

مالی آن‌ها که با معیار کارایی صورت می‌گیرد و اصولاً مجاز و صحیح است و در این موضوع مشکلی وجود ندارد (Smith and Hamel, 2017:4).

با تمام تفاسیر فوق و از آنجا که چنین قراردادهایی با فلسفه اصل تساوی بستانکاران مبنی بر اجرای عدالت در توزیع دارایی (پس از اخذ رضایت سایر بستانکاران) تعارضی ندارد، شاید بتوان قراردادهایی از این قبیل را راهکاری برای گریز اصل تساوی تلقی کرد.

۳-۱-۲. قراردادهای اجرایی

یکی از راه‌های مطرح شده در حقوق انگلیس و آمریکا برای گریز از اصل تساوی بستانکاران قراردادهای اجرایی (Executive contract or essential supplier)^۱ است. به آن قسم از قراردادها که براساس آن طرفین باید تعهداتی را در مواعد معین انجام دهند، قراردادهای اجرایی می‌گویند؛ از جمله:

۱- قرارداد اجاره

اجاره املاک که براساس آن موجر منافع ملک خود را در ازای دریافت مال الاجاره به مستأجر تملیک می‌کند.

اجاره اشیای منقول که براساس آن، مستأجر ملزم به پرداخت مال الاجاره در قبال تملک منافع شیء در خلال مدت معین است.

۲- قرارداد مجوزهای بهره‌برداری

درباره دارایی‌های فکری- قراردادهای ليسانس^۲ - که براساس آن‌ها مالک دارایی فکری، در ازای دریافت رویالٹی (حق امتیاز) تمام یا قسمتی از حقوق مادی این دارایی را برای مدت‌زمان معین به مجوز گیرنده منتقل می‌کند (Eisenbach, 2006: 75).

وقتی شخصی ورشکسته می‌شود موضع او در قبال قراردادهای منعقدشده پیش از تاریخ ورشکستگی به دو صورت است، یا می‌تواند قرارداد را تنفیذ کند و به انجام تعهداتش ادامه دهد، یا آن را رد کند. در این صورت طرف قرارداد در شمار طلبکاران عادی می‌گیرد و مشمول اصل

۱. قراردادهایی که حداقل زمان اجرای تعهد یکی از طرفین در آینده است.

تساوی بستانکاران خواهد شد.^۱ واضح است تصمیم در این باره با مشورت طرف قرارداد حاصل می‌شود. برای مثال اگر شرکت «الف» در قبال انعقاد قراردادی در سررسیدهای قراردادی به شرکت «ب» بدهکار باشد و قبل از پرداخت بدهی‌های خود ورشکست شود، شخص «الف» میان رد یا قبول کردن و ادامه‌دادن قرارداد مخیر است. اگر شرکت «الف» قرارداد را فسخ (رد) کند، همه مطالبات «ب» مطالبات بدون وثیقه تلقی خواهد شد و مشمول اصل تساوی می‌شود. در غیر این صورت تمام تعهدات قراردادی طرفین به صورت تام اجرا خواهد شد.

درواقع می‌توان گفت قراردادهای اجرایی راهکاری برای نادیده گرفتن اصل تساوی است که در سیستم حقوقی برخی از کشورها از جمله انگلستان پذیرفته است؛ البته شایان ذکر می‌باشد تشخیص ماهیت قرارداد به مثابه قرارداد اجرایی با دادگاه است. در سال‌های اخیر، محاکم انگلیس سعی کردند در آرای خود به تفسیر و رویکردی هم‌سو با رونق و تسهیل روابط تجاری دست یابند و حتی‌الامکان به شرکت‌های تجاری برای بازسازی و جلوگیری از ورشکستگی کمک کنند. در پرونده (2009) Re sigma finance corp درباره تصفیه طلبکاران با وثیقه، قاضی ابراز داشت: «در تفسیر مواد قانونی باید بیشتر به تفسیر برآمده از مفاد قراردادها و منطبق با روح تجارت روی آورد». اگرچه امروزه به‌ویژه در ایالات متحده (City of Stockton, California, 526 B.R. 35, 36 (Bankr. E.D. CA. 2015)) و انگلستان احکامی چند در تأیید چنین قراردادهایی صادر شده است، با این حال نمی‌توان آن راهکاری مطمئن برای دورزدن اصل تساوی بستانکاران و قرار گرفتن در شمار طلبکاران دارای اولویت دانست.

در نظام حقوقی ایران شاید بتوان «قراردادهای جاری» را مشابه قراردادهای اجرایی عنوان کرد. منظور از قراردادهای جاری، قراردادهایی است که تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم ورشکستگی با اشخاص ثالث منعقد کرده است؛ به گونه‌ای که استمرار دارد یا در حال اجراست؛ مانند قرارداد اجاره (اسکینی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

در این باره باید بین دو دسته قراردادهای اذنی و قراردادهای عهدی قائل به تفکیک شد. قراردادهای اذنی با موضوع امور مالی به محض ورشکستگی منفسخ می‌شوند، اما قراردادهای عهدی اگر از موارد مذکور در مواد ۴۲۳ و ۴۲۴ قانون تجارت نباشند قاعداً معتبر خواهند بود.

1. <<http://legaldictionary.ne/executory Contract/>, Last seen at 2017/11/6.>

در مورد اجاره هم باید قائل به تفکیک شد:

۱. در موردی که تاجر، مالی را به دیگری اجاره می‌دهد (تاجر موجر باشد)، این اجاره قاعدتاً تا پایان مدت اجاره به قوت خود باقی است و مستأجر باید مال الاجاره را در موعد به اداره تصفیه بپردازد. وقتی تاجر مالی را از دیگری اجاره کند (تاجر مستأجر باشد)، در این صورت نیز اجاره تا پایان مدت نافذ است. ذیل ماده ۵۱۲ قانون تجارت نیز موعد همین مطلب است؛ زیرا موافقت موجر با فسخ را ضروری می‌داند، اما درباره مال الاجاره باید بین دو مورد تمایز قائل شد. چنانچه مال الاجاره عین معین باشد، موجر باید طبق قواعد دعوی استرداد، مال الاجاره را مقدم بر غرماء مسترد کند و اگر دین باشد باید از بابت طلب خود وارد صفوف غرماء شود. ماده هم بر این امر تأکید کرده و فرض آن ناظر بر فرض غالب است که مال الاجاره دین است نه عین معین؛ بنابراین می‌توان گفت حاصل ماده ۵۱۲ این است که عقد اجاره دیگری به تاجر ورشکسته (تاجر مستأجر باشد)، با صدور حکم ورشکستگی صدمه‌ای نمی‌بیند و به قوت خود باقی است که این امر دو فرض دارد:

۱. تصمیم اداره تصفیه بر اقاله اجاره

الف) موافقت موجر با اقاله: در این صورت مدیر تصفیه می‌تواند با توجه به مصالح بستانکار اجاره را اقاله کند که در این حالت موجر باید برای دریافت مطالبات وارد صف غرماء شود.
ب) مخالفت موجر با اقاله: در این صورت، چنانچه مدیر تصفیه تقاضای اقاله کند و موجر راضی نباشد، اجاره ادامه می‌یابد و موجر وارد غرماء می‌شود (ذیل ماده).

۲. تصمیم اداره تصفیه بر ابقای اجاره: چنانچه مدیر تصفیه تصمیم بر ابقای اجاره داشته باشد، ظاهراً باید مال الاجاره را مقدم بر غرماء به موجر بدهد (دادن تضمینات کافی یا ابقای تضمینات پیشین در صورت کفایت آن‌ها حاکی از این امر است). این حکم قطعاً خلاف اصل تساوی بستانکاران و بسیار شبیه قراردادهای اجرایی است.

درباره مسئولیت‌های قراردادی هم بر اساس مواد ۵۰۷ تا ۵۰۹ قانون تجارت، چنانچه مدیر یا اداره تصفیه به ادامه اجرای قراردادهای سابق یا ادامه فعالیت تاجر تصمیم بگیرد و در نتیجه اجرانکردن یا سوء اجرای این قراردادهای، مسئولیتی ایجاد شود طرف قرارداد برای دریافت خسارت بر سایر غرماء حق تقدم دارد (ایزنلو، ۱۳۸۹: ۸).

۲-۳. راهکارهای جایگزین اصل تساوی بستانکاران

باید توجه داشت که در صورت حذف اصل تساوی طلبکاران، چه راهکارهای جایگزینی برای تصفیه طلب‌ها می‌توان پیشنهاد داد و در مقام مقایسه آیا این راهکارها تاب مقاومت و حتی عبور از برابر اصل را خواهند داشت. در ادامه راهکارهای جایگزین در سه قسم مطرح می‌شود:

۱. اولویت‌بخشی براساس تقدم زمانی؛

۲. اولویت‌بخشی براساس عدالت توزیعی؛

۳. اولویت‌بخشی براساس مصلحت.

۱-۲-۳. اولویت‌بخشی براساس تقدم زمانی طلبکاران

اولین راهکار جایگزین برای اصل تساوی را می‌توان اولویت‌بندی کردن طلب‌ها براساس زمان ایجادشان دانست. بر این اساس تاریخ پیدایش طلب‌ها، مبنای تصفیه است. در این شیوه، تنها طلب‌هایی در فهرست پرداخت قرار می‌گیرند که در زمان ایجاد با اسناد کتبی و مسجل ثبت همراه و افشا شده باشند^۱. به هر حال این راهکار، راهکار جامعی نیست و دربرگیرنده عیوب زیر است:

۱. در صورت حکومت این روش تمامی طرف‌های قراردادهای اقدام به اخذ وثایق عینی

می‌کنند و همین امر سبب افزایش دامنه طلبکاران با وثیقه و به‌نوعی کم کردن دارایی

بدهکار برای طلبکاران بدون وثیقه خواهد شد (Skeel, JR, 2107: 40).

۲. این موضوع می‌تواند به عاملی در راستای تقویت ورشکستگی شرکت‌ها مبدل شود؛ زیرا

اشخاص ثالث با علم به اینکه به‌وجود آمدن طلب جدید، با نزول رتبه در صف طلبکاران

آتی برابر است، از انعقاد قراردادهای جدید امتناع می‌کنند. به عبارت دیگر، این راهکار

به‌مثابه عاملی بازدارنده از معاملات و انعقاد قراردادهای جدید با شرکت‌هایی است که با

مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این موضوع کم‌وبیش مدنظر حقوق‌دانان و سایر

نویسندگان مقالات حقوقی قرار گرفته است (Finch, 1997: 227).

۳. تقسیم‌بندی طلب‌ها براساس اولویت‌بندی زمانی سبب خواهد شد طلبکاران همواره با اندیشه

۱. طلب‌هایی که براساس قراردادهای پنهانی ایجاد شده باشد، به سبب رعایت حقوق سایر طلبکاران و جلوگیری از هر

نوع سوءاستفاده در این تقسیم‌بندی جایگاهی ندارند.

عقب‌نماندن در صف عزما، ملزم به اعمال نظارتی دقیق‌تر بر فعالیت‌های بدهکار شوند که این امر موجبات بی‌اعتمادی و صرف هزینه‌های بیشتر را فراهم کند (Lee, 2008: 377).

۴. چنین تقسیم‌بندی سبب می‌شود حقوق دینی در جایگاه حقوق عینی قرار بگیرد؛ زیرا تقدم بر مبنای زمان، قاعده حل تزاخم میان حقوق عینی و وثایق است نه حقوق دینی.

۳-۲-۲. اولویت‌بخشی براساس مبانی عدالت توزیعی

عدالت توزیعی به تحقق بالاترین درجه خوبی و رضایت برای جمیع افراد اطلاق می‌شود. یکی از راه‌حل‌های پیشنهاد شده در عدالت توزیعی، نشأت گرفته از نظریه «برابری»^۱ آدامز^۲ است. برخی معتقدند به دلیل برابری ذاتی انسان‌ها، عدالت عبارت است از برخورد برابر و یکسان با تمام شهروندان؛ به نحوی که هرگونه تفاوت و رفتار نابرابر میان افراد خلاف عدالت به حساب می‌آید (واعظی، ۱۳۸۸: ۵۸).

درواقع اصل تساوی بستانکاران بر مبنای عدالت توزیعی و رفتار برابر نسبت به بستانکاران یعنی برقراری عدالت در توزیع دارایی بدهکار، اما به‌تازگی حقوق دانان با توسل به شقوق دیگر مفهوم عدالت توزیعی مفاهیمی از قبیل: اولویت‌بخشی با تکیه بر عدالت توزیعی و بر مبنای اولویت‌بخشی براساس میزان طلب، اولویت‌بخشی براساس مصرف‌کننده نهایی و اولویت‌بخشی براساس طبقات اجتماعی، راهکارهای جایگزین اصل تساوی را مطرح کرده‌اند که در ادامه این مقاله به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) اولویت‌بخشی براساس طبقات اجتماعی

در برخی از نظریه‌های ارائه شده در زمینه عدالت توزیعی، نیاز مردم ملاک تقسیم و توزیع بعضی مزایا و مواهب اجتماعی است. عنصر نیاز را می‌توان اصل و معیاری مناسب برای توزیع عادلانه (خیراتی) مانند: امنیت و رفاه اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی به حساب آورد و این امور باید متناسب با نیاز افراد جامعه توزیع شود (واعظی، ۱۳۸۸: ۴۲۱).

1. Equity Theory.

2. John Stacey Adams.

در برخی جوامع، توزیع درآمدها و ثروت‌ها، نیاز و طبقه اجتماعی افراد به شمار می‌آید [و بر این مبنا تقسیم صورت می‌گیرد]. در اقتصاد کمونیستی، «احتیاج» تنها معیار برای توزیع نسبت به افراد شاغل در جامعه است. هرکس به اندازه توان خود کار می‌کند و اجتماع به مقدار نیاز وی به او درآمد می‌پردازد (صدر، ۱۳۹۴: ۱). درباره راهکارهای جایگزین اصل تساوی نیز اولویت‌بخشی براساس نیاز و طبقات اجتماعی از سوی برخی از حقوق‌دانان مطرح شده است، اما به نظر می‌رسد میزان «احتیاج» نمی‌تواند ملاکی واحد و قاعده‌ای کلی در اولویت‌بخشی به طلبکاران باشد تا همه جوانب را دربرگیرد؛ زیرا:

۱. در واقع ملاک ثابتی برای ارزشیابی کردن نیاز طلبکاران براساس طبقات اجتماعی آن‌ها وجود ندارد که حدود و ثغور مشخصی داشته باشد.
 ۲. اگر معیار اولویت طلبکاران تنها نیاز آن‌ها باشد، انگیزه افراد به کار و رقابت صحیح در زمینه فعالیت‌های اقتصادی از بین می‌رود و در پی آن شکوفایی استعدادها، خلاقیت و ابتکار منتفی خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۰: ۵۵۲).
 ۳. رابطه تکوینی عمل با نتیجه و اثر آن و انتساب هر دو به عامل اقتضا دارد که سود و زیان حاصل از فعالیتی اقتصادی به انجام‌دهنده آن بازگردد (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۱) و این ربطی به طبقه اجتماعی و نیاز پیدا نخواهد کرد.
- همچنین ضعف‌های دیگری از جمله صرف هزینه زیاد برای بررسی شرایط تک‌تک طلبکاران نیز در این زمینه قابل بررسی است. در مجموع می‌توان گفت ضعف‌های این تئوری به قدری زیاد است که هیچ‌گاه مورد توجه و تأمل جدی واقع نشده است (Milman, 1991: 78).

ب) اولویت‌بخشی براساس میزان طلب

دیگر راهکار، تقسیم‌بندی طلب براساس مقدار است. بر این اساس حقوق‌دانان معتقدند در تقسیم‌بندی طلبکاران بدون وثیقه ابتدا باید طلب‌های کوچک‌تر با هدف حمایت از طلبکاران ضعیف‌تر پرداخت شود؛ زیرا قانون همواره باید در راستای رونق و تشویق بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری کوچک، قدم برداشته و از آن‌ها حمایت کند (Finch, 2002: 489). در مقابل مخالفان این نظریه بیان می‌کنند مقدار طلب الزاماً به ضعف بودن صاحب آن ارتباطی ندارد و اتفاقاً دارندگان

طلب‌های بزرگ بیشتر در معرض ریسک و خطرهای جبران‌ناپذیر قرار دارند.

پ) اولویت‌بخشی بر اساس مصرف‌کننده نهایی

راهکار دیگر تقسیم‌بندی طلبکاران بدون وثیقه بر اساس مصلحت است. در این نظریه میان طلبکاران مصرف‌کننده صرف و طلبکاران تاجر تفکیک صورت می‌گیرد؛ یعنی طلبکارانی که برای خرید کالا یا خدمات مصرفی وارد معامله شده‌اند، برای وصول طلبشان در اولویت قرار می‌گیرند. استدلال طرفداران^۱ این نظریه آن است که طلبکاران تجاری در معاملاتشان «کسب سود را» معیار اصلی قرار می‌دهند و در چنین معاملاتی خود را برای خطرات تجاری مهیا می‌کنند. در این راه نیز معمولاً از تدابیر متعددی از جمله بیمه مورد معامله و... بهره می‌برند. در مقابل، طلبکاران مصرف‌کننده علی‌الاصول از انعقاد قراردادشان اهداف تجاری ندارند و برای رفع احتیاجات یا بهره‌مندی از خدمات خاص وارد معامله یا قرارداد می‌شوند.

در برخی موارد حقوق‌دانان عنوان می‌کنند بستانکاران معمولی به صورت مستمر با بدهکار در حال معامله و قرارداد هستند؛ مثل کارمندان یک شرکت تجاری، اما بستانکاران تجاری معمولاً بر اساس قرارداد تجاری کوتاه مدتی با بدهکار یا بنگاه تجاری در ارتباط‌اند (Finch and Vanessa, 2009: 620). در مقابل مخالفان استدلال می‌کنند این روش نیز مانند سایر روش‌های مطرح شده سبب افزایش هزینه‌های معاملاتی می‌شود (Finch, 2002: 489).

همچنین تقسیم‌بندی طلبکاران به تجاری و مصرف‌کننده چندان فایده‌ای ندارد؛ چرا که اطلاق هر کدام از این عناوین نیازمند تصدیق عناصر زیادی از جمله: میزان ریسک معاملات، سازوکار بیمه، نحوه پرداخت ثمن، میزان رقابت در زمینه آن معامله و... است که ارزیابی کردن آن‌ها مستلزم صرف زمان، هزینه و معیارهای دقیق کمی و کیفی است؛ بنابراین نمی‌توان آن را جایگزین قابل‌رقابتی با اصل تساوی طلبکارها دانست.

نتیجه گیری

وقتی شخص ورشکسته می‌شود، با فقدان رژیم کارآمد تصفیه، چیزی جز دست خالی ماندن بیشتر بستانکاران، تجزیه شرکت و خسران جمعی نخواهد ماند. همچنین نبود چنین سیستمی سبب می‌شود معامله کنندگان مدام در حال رصد کردن دقیق همه فعالیت‌های طرفین معامله باشند تا در صورت لزوم از رقابت با سایر بستانکاران جا نمانند. با توجه به اینکه یکی از اهداف قانون تجارت، تسهیل تجارت و بسترسازی مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری است، این روند سبب افزایش ناامنی و به دنبال آن کاهش انگیزه معاملات و سرمایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین پیش‌بینی سیستم تصفیه جمعی مناسب را می‌توان اولین قدم در راستای جلوگیری از چالش‌های فوق تلقی کرد، اما سازوکار تصفیه جمعی نیز به‌تنهایی راهگشا نیست؛ زیرا بستانکاران مدام در پی یافتن راهی برای کسب اولویت و مصونیت از قرار گرفتن در صفوف غرما هستند.

اینجاست که اصل تساوی بستانکاران باید به‌مثابه ستون اصلی این موضوع به ایفای نقش پردازد تا طلبکاران مطمئن شوند که با توسل به تساوی در وصول مطالبات، سیستم در پی نیل به منفعت جمعی است. در واقع می‌توان گفت اصل تساوی طلبکاران سازوکاری برای افزایش عدالت و کارآمدی قوانین تصفیه و کنترل اقدامات طلبکاران در چارچوبی قاعده‌مند است. با این حال، مخالفان اصل تساوی معتقدند که اگرچه این اصل در راستای حمایت از بستانکاران وضع شده است، به ناچار افزایش دامنه استثنائات سبب شده تعداد زیادی از بستانکاران از شمول اصل خارج شوند و در نتیجه این اصل در عمل نه تنها حامی طلبکاران نخواهد بود، آزادی عمل آن‌ها را نیز برای وصول مطالباتشان بازمی‌ستاند.

به نظر می‌رسد این بحث‌ها به‌نوعی به‌دلیل کمبود تبیین و توجیه منطقی و یا دقیق اصل تساوی و جایگاه آن در سازوکار تصفیه شکل گرفته است. سیستم تصفیه جمعی سازوکاری از هم‌گسیخته نیست، بلکه مجموعه آن با تمامی اصول و قواعد خود از جمله اصل تساوی باید به‌نوعی طرح‌ریزی و در قوانین پیش‌بینی شود که حتی‌الامکان مانعی بر سر راه طلبکاران در تجزیه شرکت ورشکسته باشد. امروزه دغدغه کشورهای توسعه‌یافته، جلوگیری از فروپاشی شرکت‌ها و کمک به احیا و بازسازی آن‌ها است. رویه قضایی نیز در بیشتر این کشورها بدین سمت سوق یافته است.

اگرچه راهکارهای جایگزینی که تاکنون به‌جای اصل تساوی بستانکاران مطرح شده جامع

نیستند، شاید بتوان این گونه جمع‌بندی کرد که در وهله اول سیستم تصفیه جمعی و قوانین ورشکستگی حتی الامکان باید با رعایت منافع جمعی، بستانکاران را به سوی احیای شرکت سوق دهد. در وهله دوم از آنجا که فلسفه اصل تساوی بر مبنای حمایت از بستانکاران و برقراری عدالت و انصاف در توزیع دارایی میان غرماست، پیش‌بینی راهکارهایی که با توافق بستانکاران و شرکت تجاری در معرض تصفیه صورت بگیرد و موجب برقراری عدالت باشد (مانند قراردادهایی که بر مبنای تئوری فروشنده بحرانی، قراردادهای اجرایی و با رضایت سایر بستانکاران منعقد می‌شود) امری قابل تأمل است که می‌تواند در راستای تقویت بنگاه‌های تجاری و جلب اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاران مؤثر واقع شود.

راه‌حل کلی نه حذف اصل تساوی و نه تقدیس بیش از حد آن است، بلکه با محدود کردن دامنه استثنائات پیش‌بینی شده در قانون، بدو باید از بی‌اعتبار شدن این اصل جلوگیری کرد و در کنار آن برخی توافقات میان بستانکاران و شرکت تجاری برای اولویت دادن در پرداخت برخی از بدهی‌ها را (با رعایت شرایطی که قانون‌گذار پیش‌بینی می‌کند) تجویز کرد.

با توجه به اینکه قانون‌گذار ایران در موادی بدون آنکه تعریف خاصی از اصل تساوی ارائه دهد تنها به آثار آن توجه می‌کند، مقتضی است با ارائه تعریفی جامع و مانع بستر اصلاح اصول تصفیه شرکت‌های تجاری و غنای رویه قضایی را فراهم کند.

کتاب نامه منابع و مآخذ

- احمدی، فرزانه. (۱۳۹۱). «بازجستی در ادله حق تقدم در اموال مدیون»، پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی. ش ۱۰. صص ۹-۲۶.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۳). حقوق تجارت- ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. چاپ هفتم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ایزانلو، محسن و میرشکاری، عباس. (۱۳۹۱). «طلب ممتاز». فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. ش ۶۰. صص ۳۷-۶۸.
- ایزانلو، محسن و جباری‌زاده، روزبه. (۱۳۹۰). «مسئولیت مدنی ورشکستگی». مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران. دوره ۲. شماره ۱. صص ۱-۲۴.
- ایزانلو، محسن و میرشکاری، عباس. (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی اصل تساوی طلبکاران». مجله‌نامه مفید. شماره ۱۰۰. صص ۳-۲۰.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، جلد ۴. تهران: دادگستر.
- سلطان احمدی، جلال و چمی، سمیرا. (۱۳۹۴). «بررسی اصل تساوی طلبکاران تاجر ورشکسته». نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران. صص ۱-۱۰.
- صفیان، سعید. (۱۳۷۵). «طلب ممتاز در حقوق ایران و تطبیقی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). «بررسی احکام حجر و ورشکستگی در فقه و حقوق اسلامی». فصل‌نامه الهیات. سال چهارم. شماره ۱۰. صص ۱۱۷-۱۲۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). «نظری به نظام اقتصادی اسلام». چاپ دهم. جلد ۲۰. قم: صدرا.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۸). «نقد و بررسی نظریه‌های عدالت». قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. فصل‌نامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق شماره ۱۸. صص ۴۷۸-۴۸۳.

- Good, Roy. (2005). "Principles of Corporate Insolvency Law.", 3rd edn. Sweet and Maxwell.
- V. Finch.(2009). "Corporate Insolvency Law :Principles and Perspectives". Cambridge University Press. 2nd Edition.
- .Waren, Iarence and Pottow, John. (2017). "the law of Debtor and Creditors". 7th Edition. Amazon.com.
- -Articles
- Akira, Mikazuki. (2005). "Principle of Creditors Equality under Reorganization Plan". financial Law Board.P.1-14.
- Allen, Overy. (2013). "The Pari Passu Clause and Argentine Case". Global law and Intelligence Unit. P. 1-16.
- Dvid. A. and Skeel, JR. (2017). "The Empty Idea of Equality of Creditors".

- University of pensilvanya Law School. Faculty Scholarship1724. PP 699-724
- D. Milman. (1991). "Priority Rights on Corporate Insolvency". in A Clarke (ed). Current. PP. 57-85.
 - Good, Roy.(1984)." Is the Law Too Fvaourable for Unsecured Creditor". Cnadian Business Journal. PP 53-94.
 - Key, Andrew. (2000). "Liquidators Avoidance of Preference". University of Southern Queensland Journal. P163-190.
 - Lee Eng Beng. (2008). "The Duty to Maintain Equality in Collective Creditors Action". SAcl Journal. Vol.20. P369-395.
 - Poonam, Parvez. (2018). "The Pari Passu Principle". Xplace Journal. article 3370. PP 57-79.
 - R. Mokal. (2001). "*Priority as Pathology: The Pari Passu Myth*". Cambridge Law Journal. P 581-621.
 - Smith, Halem. (2017). "Unequality,Equal,Circumvent The Pari Passu Rule". The Lawer Newsletter Business Professionals. V 9. P4-23.
 - The Cork Report. (2005). "*Insolvency Law and Practice: Report of the Review Committee*".
 - The Cork Report. (2002). "*Is pari passu passé?*" Ins Law. p 1-22.
 - The Cork Report, (1997). "*The Measures of Insolvency Law*"17 OJLS 227.
 - World, Bank. (2005). "Principles for Effective Creditor Rights and Insolvency Systems". Revised draft Part C. P 2-14.
 - Zerbe Jr, Richard. O (2001). "Economic Efficiency in Law and Economics". USA. Edward Elgar Publishing Limited.p.29-37.
 - Kurt, hyzler. (2006). "The Principle of Pari Passu in corporate Insolvency". Thesis for LL.D Degree.
 - <<http://www.legaldictionary.net>>,Last Seen at 2017/11/6.
 - <<http://practicallaw/uk.com>>,last seem at 2018/1/12
 - <http://www.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2009/04/20/000334955_20090420051400/Rendered/PDF/48> last seen at 2017/09/4.
 - <<http://khomeini.ir/fa.c78>>,last seen at 2018/12/28>.
 - <<https://app.justis.com/british-eagle-international>>.Last Seen at 2018/12/28.